

# اقتصاد رسانه در ایران

علل ناکارآمدی رسانه‌های خصوصی ایران با تاکید بر مطبوعات

علیرضا بختیاری

۷	نگاه اقتصاددان
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	فصل اول: مفهوم و وضع بخش خصوصی در ایران
۳۷	فصل دوم: رسانه و قدرت سیاسی
۶۵	فصل سوم: رسانه و توسعه
۷۷	فصل چهارم: رسانه و مالکیت
۸۵	فصل پنجم: گونه‌شناسی رسانه‌ها
۸۹	فصل ششم: تنگناهای رسانه خصوصی
۹۳	فصل هفتم: وضعیت مطبوعات در ایران
۱۰۵	پیوست: چند ارزیابی درباره مشکلات رسانه‌ها
۱۱۱	منابع

## فصل اول

### مفهوم و وضع بخش خصوصی در ایران

#### پیشینه تاریخی و فلسفی مفهوم خصوصی

واژگان «مالکیت خصوصی» و «بخش خصوصی» یا واژه‌های معادل آنها که ناظر بر تسلیط افراد یا خانوارها بر دارایی است، سابقه تاریخی طولانی دارند؛ اما با گذشت دست کم ۲۳۰۰ سال از زمانی که فیلسوفان یونان باستان راجع به این مفهوم سخن گفته‌اند، هنوز مناقشه بر سر آنها پایان نیافته است. پایه‌پای غنی‌تر شدن مباحث و استدلال‌های طرفداران مالکیت خصوصی، حامیان مالکیت جمعی و طرفداران سلب مالکیت از افراد هم بر غنای مباحث خود افزوده‌اند.

طرفداران و مخالفان جدی و قابل اعتنای مالکیت خصوصی با همه اختلاف‌هایشان، بر سر یک موضوع متفق‌القولند که همانا ضرورت توضیح فلسفی حسن و قبح مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی یا دولتی است. به همین علت است که جان لاک مدافع آزادی سیاسی و اقتصادی در زمینه تبیین نظری ضرورت مالکیت خصوصی یا مالکیت همگانی، با کارل مارکس و ولادیمیر لنین (هر دو سوسیالیست) هم‌داستان است. (صدری، ۱۳۸۷). حتی لنین با صراحت تمام و از منظر انقلابی خود، فعالیت سیاسی و سازمانی را موکول و مشروط به داشتن نظریه انقلابی می‌داند و معتقد است «عمل انقلابی بدون نظریه انقلابی ناممکن است». (Lenin, 109)

در ایران هم مانند دیگر جاهای جهان، این دو دیدگاه از دیرباز وجود داشته و پایه‌پای هم آمده‌اند. درست است که در ایران، برخلاف کشورهای غربی، سابقه نظریه‌های مدون در دفاع از مالکیت خصوصی و مالکیت همگانی چندان قدمتی ندارد، اما در عمل همواره دولت‌ها و مخالفانشان در گفتارها و کردارهایشان رگه‌هایی از باور به یکی از این دو روش را نشان داده‌اند. سابقه این باورها را می‌توان از کشاکش‌های دولت ساسانیان و مزدک‌اشتراکی مسلک تا همین امروز دید. در روزگار ما دولت ایران دست‌کم به صورت رسمی مانند جان لاک، فیلسوف لیبرال، معتقد است مالکیت حق انحصاری و ذاتی خداوند است. اما از این گزاره نیرومند، جان لاک یک نتیجه می‌گیرد و دولت ایران نتیجه‌ای دیگر. جان لاک از این گزاره نتیجه می‌گیرد که بندگان خدا بر روی زمینی که مخلوق اوست نعماتی پیش روی خود دارند که هر کس می‌تواند به قدر کار و وسع خود از آنها بهره‌مند شود. سهمی که هر کس از این نعمات می‌برد مشروط به دو فضیلت است: فضیلت اول کار و ابداع و ابتکار هر فرد است و فضیلت دوم به رسمیت شناختن حق دیگران برای کسب درآمد از طریق کار و ابداع و ابتکار. طبق این دیدگاه اگر فعالیت اقتصادی افراد جامعه در فضای آزاد و بدون مداخله دولت پیش برود هر کس مطابق توان جسمانی و فکری خود سهمی از نعمات خداوندی را به تصاحب و مالکیت خود در می‌آورد. آنچه از این راه به دست می‌آید مالکیت عادلانه و مشروع است. میان گزاره نخستین لاک و سایر اجزای نظریه‌اش تناقضی دیده نمی‌شود.

اما در ایران از گزاره «مالکیت حق انحصاری و ذاتی خداوند است» برداشت متفاوتی شده که به پیدایش نظریه‌ای ناسازگار میدان داده است. بر اساس این برداشت، حق مالکیت انحصاری خداوند، با تشکیل حکومت به حکمرانان منتقل می‌شود و حکمرانان بر اساس این حق اجازه دارند به گونه‌ای که خود صلاح می‌دانند نعمات خداوند را اداره و توزیع کنند. این نگاه لاجرم به انکار فضیلتی بزرگ یعنی کار و ابداع انسان می‌انجامد. این نگاه به اقتصاد، حتی با آموزه‌های فقهی درباب مالکیت هم ناسازگار است و تعبیر «اقتصاد اسلامی» برای توصیف آنچه در سه دهه اخیر بر اقتصاد ایران گذشته چندان دقیق نیست و با آنچه غالب فقیهان گفته‌اند نسبتی ندارد. زیرا بر اساس

استنتاجات فقهی اساسا دولت مالک چیزی نیست مگر انفال که یا منشأ بیرونی دارد و از طریق غنایم به دست می‌آید یا اینکه اراضی موات و جنگل‌هایی است که سابقه عمران و مالک خصوصی ندارد. حتی درباره مالکیت انفال هم قرآن منحصرأ از مالکیت خدا و رسول‌الله (ص) سخن می‌گوید: یسئلونک عن الانفال، قل الانفال لله و الرسول، یعنی ای پیغمبر از تو درباره انفال می‌پرسند، بگو انفال منحصرأ مال خدا و پیغمبر است.

نتیجه اینکه با رجوع به قرآن و تفاسیر و از درون آرای فقهی به راحتی نمی‌توان حکم به اقتصاد دولتی داد، بلکه بحث تصرف فقیه است که حکمش اساسا با تصرف اموال عمومی یکی نیست بلکه بنا به تفسیر غالب فقها تصرف و سرپرستی اموال صغار و محجوران است. برعکس، برای استنتاج اولویت و ارجحیت اقتصاد بخش خصوصی قراین استواری در آرای فقیهان دیده می‌شود. لیکن با وجود قرائن و امارات وافر که ناظر بر رجحان اقتصاد خصوصی نزد فقیهان است، سیاستمداران و برنامه‌ریزان اقتصادی ایران بیشتر مایل به یافتن تفسیرهای دولتمدارانه هستند و چون چنین تفاسیری در آموزه‌های فقهی وجود ندارد یا نادر است به نوعی نگرش التقاطی که دست بر قضا منشأ غربی دارد پناه می‌برند.

در ایران وقتی از دولتمردان پرسیده می‌شود نظریه اقتصادی شما چیست معمولا دو نوع پاسخ داده می‌شود: پاسخ اول این است که ما نه کاپیتالیست هستیم نه سوسیالیست بلکه به نوعی اقتصاد تلفیقی قائل هستیم که مزایای مکاتب دیگر را داشته باشد و از معایب آنها بری باشد. پاسخ دوم هم این است که نظریه اقتصادی ما همان است که در قانون اساسی، سندهای اقتصادی استراتژیک و بودجه‌های سنواتی آمده است. این پاسخ‌های تکراری و ناسازگار و تجربه تاریخی نشان می‌دهند که در واقع آنچه دولت‌های ایران از اواخر عهد پهلوی تاکنون در حوزه اقتصاد انجام داده‌اند ملغمه‌ای از سوسیالیسم بدوی و سرمایه‌داری شبه‌کینزی بوده است. البته دولت‌ها به علت تعهدات ایدئولوژیک و ایضا رها کردن خود از چارچوب‌ها و قیود نظری اکراه داشته‌اند که منتسب به این مکاتب شناخته شوند. راهی که برای حل